

حقوق شهروندی، احکام و اخلاق اسلامی در طراحی شهری با تأکید بر نگرش توحید

اصغر مولائی*: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دکتری تخصصی شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

طراحی شهرها می‌تواند با رویکردهای متفاوتی تبیین شود. رویکردهای رایج در این حوزه با تأکید بر جنبه‌های عملکردی، زیبایی، ادراک، محیط‌زیست، اجتماعی و فرهنگی، فرایندها و محصولات متنوعی عرضه می‌نمایند که تمامی شاخص‌های شهر اسلامی را دربر نمی‌گیرند. از منظر شهر اسلامی تعالی و پیشرفت در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی دارای احکام و قواعدی است که ریشه در اصول و فروع دین و آموزه‌های اسلامی و دارد. از این‌رو هدف این پژوهش تبیین ابعاد و شاخص‌های طراحی شهری توحیدی با تأکید بر احکام و اخلاق اسلامی است که با روش پژوهش تحلیل میان‌رشته‌ای و استدلال منطقی انجام می‌شود. رویکردی تعالی توحیدی بر پیشرفت، تعالی و زندگی بهتر انسان از طریق طراحی شهری مبتنی بر احکام و اخلاق اسلامی و حقوق شهروندی و سیرت اسلامی، تأکید دارد. التزام به احکام اسلامی و قواعد فقهی به‌عنوان یکی از ارکان طراحی شهری توحیدی است که در برنامه‌ها و اقدامات طراحی و توسعه، پایبندی به آن‌ها ضروری است که می‌بایست با همکاری فقها و متخصصان تعیین شود. از جمله قواعد فقهی مرتبط در طرح‌های توسعه شهری، قواعد فقهی لاضرر، تسلیط، نفی سبیل، ضمان و تراحم مصلحت می‌باشد. به‌طوری‌که هیچ‌حقی از عوامل ذی‌مدخل در یک برنامه و طرح اعم از حقوق خداوند، حقوق نفس، حقوق سایر انسان‌ها و حقوق طبیعت تضییع نشود. پایبندی به این قواعد و اصول هم در الگوی طراحی و هم در طراحی و اجرا و بهره‌برداری می‌تواند به تحقق فضاها و بناهایی در تراز اسلامی بیانجامد.

واژگان کلیدی: طراحی شهری، تعالی، توحیدی، احکام اسلامی، اخلاق اسلامی.

Description the indicators of urban design with the approach of monotheistic transcendence with emphasis on Islamic rules and ethics

Abstract

Urban design can be explained by different approaches. Common approaches in this field with emphasis on functional, aesthetic, perceptual, environmental, social and cultural aspects, offer a variety of processes and products that do not include all indicators of the Islamic city. From the perspective of the Islamic city, excellence and progress in all aspects of individual and social life have rules and regulations that are rooted in the principles and sub-principles of the religion and Islamic teachings. Therefore, the purpose of this study is to explain the dimensions and characteristics of monotheistic urban design with emphasis on Islamic rules and ethics, which is done by the research method of interdisciplinary analysis and logical reasoning. The approach of monotheistic transcendence emphasizes the progress, transcendence and better life of human beings through urban design based on Islamic rules and ethics and citizenship rights and Islamic character. Adherence to Islamic rules and jurisprudential rules as one of the pillars of monotheistic urban design that adherence to them in design and development plans and actions, which must be determined with the cooperation of jurists and experts. Among the relevant jurisprudential rules in urban development plans are the harmless jurisprudential rules, domination, denial of mustache, guarantee and expediency. So that no rights of the actors involved in a program and plan, including the rights of God, the rights of the soul, the rights of other human beings and the rights of nature are violated. Adherence to these rules and principles both in the design pattern and in the design, execution and operation can lead to the realization of spaces and buildings at the Islamic level.

Keyword: urban design, excellence, monotheism, Islamic rules, Islamic ethics.

۱- مقدمه

طراحی شهری در فرهنگ لغت شهرسازی رابرت کوان برای واژه طراحی شهری چنین آمده است: طراحی شهری، فرآیندی مشارکتی و چند رشته‌ای برای شکل‌دهی محیط فیزیکی برای زندگی در شهرها، حومه‌ی شهرها و روستاها؛ هنر خلق مکان و طراحی در بافت شهری است (Cowan, ۲۰۰۵). کوین لینچ، هدف اصلی طراحی شهری را ارتقاء کیفیت زندگی انسان‌ها، می‌داند. کلارنس اشتاین، ارتباط بین ساختمان‌ها با یکدیگر و با قرارگاه طبیعی‌شان برای کمک به زندگی معاصر را عنوان می‌کند. گوردن کالن (۱۹۶۱) نیز همین ارتباط را تأکید می‌کند. کامیلوسیت طراحی شهری را مطالعه عرصه عمومی شهر شامل خیابان‌ها، میدان‌ها، بلوارها، پارک‌های شهری و به انضمام نماهای ساختمان‌های محصورکننده آن فضاها تعریف می‌کند (Carmona et al, ۲۰۰۳). طراحی شهری را می‌توان گونه‌ای مدیریت اجتماعی مکانی محیط شهری دانست که به کمک دو ابزار ارتباط بصری و کلامی و پرداختن به موضوعاتی در مقیاس‌های متنوع پدیده‌های اجتماعی مکانی شهری، به این امر می‌پردازد. تعریف فرانسیس تیالدز (۱۹۸۸)، تعریفی است که طراحی شهری را به مثابه‌ی طراحی کالبدی عرصه‌ی عمومی، توصیف می‌کند (همان). در دوران متأخر، به‌طور نسبی، به طراحی شهری به‌عنوان امری پیچیده توجه بیشتری شده است. در این زمینه جان لنگ طراحی شهری را چنین تعریف می‌کند: طراحی شهری، هنر پیچیده‌ای است، چرا که می‌بایست به‌طور هم‌زمان درصدد حصول مجموعه‌ای از اهداف باشد. طراحی شهری با فعالیت‌های بسیاری از رشته‌های دیگر، فصل مشترک دارد. از این‌رو، طراحی شهری، دغدغه‌ی خاطر حرفه‌های متعدد و مختلفی است. طراحی شهری نه بر اصول کلی و جهان‌شمول و ضوابط طبیعی، بلکه بر خصوصیات و نیازهای خاص بومی استوار است. اگرچه طراحی شهری به شیوه‌های مختلف تجلی می‌یابد، لیکن همواره تمرکز همیشگی آن بر کیفیت عرصه‌ی همگانی شهرها است (گلکار، ۱۳۷۸).

حرفه، رشته، دانش و هنر طراحی شهری با هدف ارتقای کیفیات محیطی و خلق فضاهای شهری مطلوب، ارتقای کیفیات زندگی و نیل به شهر مطلوب را دنبال می‌نماید. در این رشته می‌توان رویکردهای گوناگونی با اهداف مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، هنری، فنی و سیاسی اتخاذ نمود. رویکردهای نو شهرگرایی، رشد هوشمند شهری، شهرسازی انسان‌مدار، توسعه شهری مبتنی بر حمل‌ونقل، شهرسازی فناوری مبناء، شهرسازی پایدار، شهرسازی زمینه‌گرا و شهرسازی شهروندگرا از جمله رویکردهای رایج در این حوزه محسوب می‌شوند.

تعالی و سعادت هدف غایی در دین اسلام و آرمانشهر اسلامی است که این فرصت و جهت را به مدیریت شهری و جامعه می‌دهد تا با جامع‌نگری و اتخاذ رویکردی متعالی و توحیدی برای نیل به این هدف کمک نماید. مؤلفه‌های این رویکرد شامل صورت (جسم و ظاهر) و سیرت (جان و باطن) است. اصول طراحی شهری تعالی‌گرای توحیدی شامل احکام اسلامی، حقوق شهروندی، اخلاق اسلامی و معنویت اسلامی هستند. همچنین این اصول نیازمند راهبردهایی از قبیل احترام به زمینه‌های ارزشمند است که تحقق اصول و اهداف را عملیاتی می‌نمایند. راهبردها با الگوهای همچون ایجاد مجموعه‌های فضایی عملکردی (ارسن شهری)، مرکزیت مساجد و بقاع متبرکه، هنر و معماری ایرانی اسلامی هستند.

۲- طراحی شهری با رویکرد تعالی توحیدی

۲-۱- تعالی توحیدی

تعالی به معنای بلند شدن، بر شدن، بلند گردیدن، بلندی و برتری (معین، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۶۲) و بلند شدن، صفتی برای اسم الهی مانند خدای تعالی و حق تعالی به معنی خداوند برتر است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۶۷۹۵). در اندیشه تعالی‌گرا، ترکیبی از فضیلت‌های اخلاقی (مانند عدالت، صداقت، عفت و شجاعت) و همه خوبی‌ها و رعایت حد اعتدال در همه مراتب زندگی است که مبتنی بر چارچوب ذهنی متشکل از دانش و ارزش در موقعیت پویایی شکل می‌گیرد و موجب می‌شود افراد بر اساس آن‌ها اندیشه، احساس و اقدام نمایند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۷). تعالی با واژه‌های متعال به معنای والا مقام، اعلی به معنای بالا و برتر و علو و علی و تکامل مترادف است. تعالی از دیدگاه قرآن کریم به معنای بالا رفتن انسان و به مراتبی از رشد و دستیابی به کمال روحی است که آفریننده هستی به دو شیوه هدایت تکوینی و تشریعی آن را فرو فرستاده است. رویکرد تعالی‌گرا در توسعه، محوریت توحید و احکام و اخلاق الهی همراه خواهد بود.

۱- رویکرد تعالی محور رویکردی است که قرن ۱۹ و بیستم در حوزه فلسفه، هنر و مذهب در اندیشه افرادی همچون رالف والدو امرسون (۱۸۳۶) مطرح شده است. همچنین اندیشمندان دیگری همچون پیترز، واترمن و آستین در حوزه تعالی رفتاری سازمان با تأکید بر حوزه‌های کار، انگیزه، هماهنگی و ... بیان شده است؛ اما رویکرد تعالی توحیدی در پژوهش حاضر با تأکید بر کمال انسان، مبانی اعتقادی، احکام و اخلاق اسلامی را مبنای محور کار خود قرار می‌دهد. رویکرد تعالی توحید تاکنون در حوزه شهرسازی و طراحی شهری پرداخته نشده است، اما به‌طور کلی می‌توان گفت که این رویکرد در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری در حوزه نظر و عمل با محوریت اعتقادات، احکام و اخلاق اسلامی تبیین می‌گردد.

۳- اصول طراحی شهری با رویکرد تعالی توحیدی

۳-۱- احکام و قواعد فقهی و حقوقی اسلامی

احترام به حقوق شهروندی همگان یکی از وظایف قانونی و اخلاقی انسان‌ها محسوب می‌شود. حقوق شهروندی ابعاد فردی و جمعی، اقتصادی، فرهنگی، سلامتی، زیست‌محیطی و فضای و کالبدی دارد. در پروژه‌های توسعه شهری می‌توان حقوق شهروندی را برای زائران، خادمین و کارکنان حرم، ساکنان محله‌های پیرامون حرم، عابران، مسافران، کسبه، معلولین، زنان، سالمندان، نوجوانان و جوانان، کودکان، خانواده‌ها و افراد آسیب‌دیده اجتماعی تبیین نمود که هر کدام نیازها و حقوق عام و خاصی دارند که توجه به آن‌ها در برنامه‌ها و اقدامات فردی و جمعی ضروری است. احترام به شخصیت همگان، رعایت حقوق ساکنان و کسبه پیرامون، پرهیز از مزاحمت و سلب آسایش و آرامش دیگران، مناسب‌سازی محیط برای افراد کم‌توان و گروه‌های ویژه، پیش‌بینی فضاهای لازم برای استفاده گروه‌های خاص (مانند کودکان و خانواده‌ها)، پرداختن به نیازها و حقوق افراد نیازمند (مانند بی‌خانمان‌ها و فقرا) ازجمله حقوق شهروندی قابل توجه در طرح‌های توسعه بقاع متبرکه می‌باشد.

التزام به احکام اسلامی و قواعد فقهی؛ در برنامه‌ها و اقدامات طراحی و توسعه، رعایت احکام و قواعد فقهی واجب شرعی است که می‌بایست با همکاری فقها و متخصصان تعیین شود. ازجمله قواعد فقهی مرتبط در طرح‌های توسعه شهری، قواعد فقهی لاضرر، تسلیط، نفی سبیل، ضمان و تراحم مصلحت می‌باشد.

قاعده فقهی تسلیط؛ تسلیط در فرهنگ لغات به معنای برگماشتن، برگماشتن کسی را بر کسی، چیره گردانیدن کسی را، روان کردن حکم و قدرت را، چیره‌دست کردن و مسلط کردن (دهخدا، ۱۳۵۱: ۱۱۱۲)؛ چیره‌دست کردن و مسلط کردن (معین، ۱۳۷۲: ۱۱۳۲) است. مطابق قاعده فقهی تسلیط، مالکیت حق هر مالکی و باید محترم شمرده شود و از گونه تملک اجباری و نارضایتی مالک پرهیز گردد. امری که در طرح‌های توسعه بافت پیرامون برخی بقاع متبرکه موجب نارضایتی مالکان شده است. همچنین مطابق قاعده فقهی لاضرر و لاضرار هرگونه ضرر رساندن به خود دیگران جایز نبوده و در طرح‌های توسعه شهری ازجمله ساخت‌وسازهای خصوصی و عمومی باید از زیان رساندن به دیگران اجتناب شود.

قاعده اهم و مهم ازجمله قواعد فقهی و حقوقی است که قلمرو و کارکرد بسیار وسیعی دارد. در هر موردی که در هنگام اجرا متزاحم بوده و در مقابل هم قرار گیرند؛ این قاعده به کار گرفته می‌شود. به کمک این قاعده

می‌توان حقه‌ای دارای اهمیت بیشتر را بر سایر حقوق ترجیح داد (دبلمی و جلیلی مراد، ۱۳۹۹: ۸). بسیاری از موضوعات مهم در شهرسازی وجود دارد که پرداختن به آن‌ها و پرداختن به موضوعات غیرضروری می‌تواند موجب اتلاف هزینه، نارضایتی مردم، تشدید مسائل و ایجاد بحران شود.

اسلام می‌گویند: كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمٌ بِهِ الشَّرْعِ. این کلام فقهی است. فقها آنجا که گفته‌اند: كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمٌ بِهِ الشَّرْعِ چنین مواردی را گفته‌اند؛ یعنی هر جا که عقل یک مصلحت ملزمی را کشف کند، ما می‌دانیم که شرع هم حکم هماهنگ با آن دارد و هر جا که عقل یک مفسده ملزمی را کشف کند، ما می‌فهمیم که شرع هم در اینجا هماهنگ است ولو اساساً در قرآن و حدیث و کلمات علما یک کلمه در این زمینه نیامده باشد. و به همین دلیل ممکن است عقل یک مصلحت ملزم یا یک مفسده ملزمی را در موردی کشف کند که این مصلحت ملزم یا مفسده ملزم با حکمی که اسلام بیان کرده تراحم پیدا کند؛ یعنی حکمی که اسلام بیان نکرده ولی عقل کشف کرده، با حکمی که اسلام بیان کرده تراحم پیدا کند و آنچه که اسلام بیان نکرده مهم‌تر باشد از آنچه که بیان کرده است (آنچه که عقل از اسلام کشف کرده مهم‌تر باشد از آنچه که اسلام بیان کرده است) اینجا حکم عقل می‌آید آن حکم بیان شده شرع را محدود می‌کند و اینجاست که ای بسا که یک مجتهد می‌تواند یک حلال منصوص شرعی را به خاطر مفسده‌ای که عقلش کشف کرده تحریم کند یا حتی یک واجب را تحریم کند یا یک حرام را به حکم مصلحت لازم‌تری که فقط عقلش آن را کشف کرده واجب کند و امثال این‌ها (مطهری، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۲).

قاعده لاجرح در طراحی شهری می‌تواند حرج‌های جسمانی، اجتماعی، روحی و روانی، مالی و ... را شامل شود. آزمون این قاعده در هر فضایی می‌تواند به روشن شدن وضعیت آن و ارائه راهکارهای عملی راهگشا باشد. راهبردهای معطوف به قاعده نفی عسر و حرج در برنامه‌ریزی و طراحی شهرهای ایرانی_اسلامی عبارتند از:

✓ توجه به آسایش و راحتی شهروندان در برنامه‌ریزی و طراحی خانه‌ها و محلات مسکونی (پرهیز از احداث آپارتمان‌های بدون پارکینگ، آسانسور، حیاط و فضای سبز و ...)

✓ پرهیز از ایجاد شهرک‌های مسکونی در فاصله دور از مرکز شهر و مراکز کار و تحصیل و اشتغال شهروندان؛ رعایت فاصله مناسب بین خانه و کار و تحصیل

برنامه‌ریزی و احداث می‌شوند با مسائلی از قبیل عدم استقبال مردم به سکونت در آن، خوابگاه شدن شهر به دلیل نبود مراکز کار و اشتغال در شهر جدید، خلوتی بیش از حد و ناامنی فضاهای شهری در اغلب ساعات شبانه‌روز و

۲) فضاهای شهری که میدان‌ها و خیابان‌ها و کوچه‌ها، مهم‌ترین مصادیق آن‌ها هستند اغلب به خیابان‌های خرید، پرسه، ماشین‌گردی مبدل شده‌اند. بناهای مجاور فضاهای شهری با خودنمایی بانک‌ها، پاساژها، برج‌ها و ویترین‌های جذاب لوکس‌گرایی فعال هستند و به برگرفته از سبک زندگی غربی و مصرف‌گرا و تجمل‌گرا را ترویج می‌نمایند.

۳) ساختمان‌ها که در انواع و کاربری‌های گوناگون مسکونی، تجاری، اداری و غیره اغلب با الگوی غیربومی احداث می‌شوند. خانه‌ها در الگوی آپارتمانی، کارکردهای عمومی در قالب برج و پاساژ و سوله‌هایی که هیچ رابطه‌ای با فرهنگ بومی ندارند، طراحی و احداث می‌شوند.

۴) کارکردهای عمومی که شامل فضاهای تفریحی، تجاری، ورزشی و غیره می‌شوند نیز با الگوی پارک و مگمال و پاساژ و استادیوم ساخته می‌شوند که الگوی بومی محسوب نمی‌شوند و آسیب‌های بسیاری را از حیث سبک زندگی اسلامی با خود به همراه دارند.

قاعده نفی سبیل از قوانین اسلامی است و به دنبال سد راه نفوذ اجانب و بیگانگان در زندگی مسلمانان است. این موضوع در آیات متعدد قرآن کریم در "ممنوعیت نفوذ و ورود بیگانگان به جامعه مسلمانان" تأکید شده است. امری که در آیات و روایات متعدد نیز بر آن تأکید شده است. این امر در شهرسازی اسلامی در موارد زیر قابل ملاحظه است:

- طراحی معماری بناها و فضاهای مسکونی؛ مواردی مانند آپارتمان‌ها و مجتمع‌های آپارتمانی، برج‌ها و مجتمع‌های مسکونی، آشپزخانه باز، نماهای رومی، حیاط‌ها و تراس‌های در دید غیر، نادیده گرفتن سلسله مرتب و حریم و محرمیت بسیار رایج است که ضروری است با اصلاح مقررات مربوطه و رویه‌های طراحی و صدور مجوز به جایگاه قاعده نفی سبیل اندیشیده شود.

- طراحی بازارها که الگوی رایج برگرفته از معماری غیربومی، پاساژها، مل‌ها، مگا مال‌ها و برج‌های تجاری و اداری است و ضروری است که در گسترش آن‌ها بازنگری شود.

✓ توجه به راحتی، آسایش و آرامش اقشار سنی و جنسی کم‌توان (زنان، کودکان، معلولین، سالمندان، بیماران) در طراحی فضاهای شهری و مبللمان شهری و خدمات رفاهی

✓ توجه به آسایش و آرامش شهروندان در برنامه‌ریزی و طراحی بناها و فضاهای عمومی (نظیر بازارها، پارک‌ها، مراکز بهداشتی و درمانی، ادارات و مدارس)

✓ ایجاد فضاهای شهری آرامش‌بخش با استفاده از الگوی باغ ایرانی، حضور آب و گیاه، رنگ‌های آرامش‌بخش (مساله آلودگی صوتی فضاهای شهری سواره مدار و استرس‌زا با رویکرد نفی عسر و حرج حل شود).

✓ جلوگیری از رشد بیش از حد شهرها و حومه آن‌ها به دلیل دشواری خدمات‌رسانی، مدیریت و تردد به آن بافت‌ها

✓ بازنگری در مبانی و مقررات برنامه‌ریزی و طراحی شهری، طرح‌های شهری با رویکرد آسایش و آرامش‌بخشی و تحقق قاعده نفی عسر و حرج.

✓ بازنگری در مقررات ملی ساختمان و قوانین شهرداری‌ها با هدف ارتقای آسایش و آرامش در بناها و فضاهای و تحقق قاعده نفی عسر و حرج در کالبد شهری.

✓ بازشناسی آسیب‌های اجتماعی (به‌ویژه حاشیه‌نشینی، فقر و بیکاری و فضاهای ناامن) با هدف حل ریشه‌ای این مسائل و جلوگیری از بازتولید مسائل دیگر شهری.

قاعده فقهی نفی سبیل، هرگونه تسلط بیگانگان و کفار بر سرزمین و جامعه مسلمانان را مجاز نمی‌داند و این قاعده باید در طرح‌های معماری و شهری رعایت گردد. به‌طوری‌که الگوبرداری از معماری غیربومی از قبیل برج‌سازی، نماهای شیشه‌ای و رومی و فضاهای شهری برگرفته از سبک زندگی غیربومی به‌ویژه در شهرهای زیارتی و بافت پیرامون حرم‌های مطهر جایز نیست.

شهرسازی معاصر ایران در ابعاد و موضوعات مختلف از نمونه‌ها و الگوهای غیربومی به‌ویژه شهرسازی غربی و کشورهای اروپایی و آمریکایی الگوبرداری کرده است. از مهم‌ترین این الگوها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱) برنامه‌ریزی و احداث شهرهای جدید که سابقه آن‌ها به نظریه باغشهر ابن‌زهره هاوراد برمی‌گردد که پایه‌گذار شهرهای اقماری و شهرهای جدید در انگلیس و سپس سایر کشورها گردید. شهرهای جدید که با فاصله حدود ۲۰ کیلومتری مادر شهرها

- طراحی فضاهای تفریحی که الگوی رایج مربوطه با تقلید از معماری غربی، پارک‌ها، مجتمع‌های آبی و ... است و استفاده از الگوهای برخوردار از احکام و اخلاق اسلامی ضروری است.
 - طراحی فضاهای ورزشی که الگوی رایج برگرفته از معماری غیربومی، سوله‌های ورزشی است و ضروری است که با پرهیز از کارکردگرایی صرف به الگوهای بومی همچون زورخانه‌ها و عامل مهم معنویت در طراحی توجه شود.
 - طراحی فضاهای صنعتی که الگوی رایج برگرفته از معماری غیربومی، سوله‌های صنعتی است و ضروری است که با پرهیز از کارکردگرایی صرف عامل مهم معنا و معنویت در طراحی توجه شود.
- به‌طور کلی می‌توان گفت قاعده نفی سیل در معماری و شهرسازی اسلامی می‌تواند ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، فضایی کالبدی و منظر شهری را شامل شود. راهبردهای معطوف به قاعده نفی سیل در معماری و شهرسازی اسلامی عبارتند از:
- ✓ توجه به احکام و اخلاق اسلامی در برنامه‌ریزی و طراحی خانه‌ها و محلات مسکونی (آپارتمان‌های کوچک و بناهای تجملاتی، برج‌ها و ...)
 - ✓ پرهیز از ایجاد شهرک‌های مسکونی در فاصله دور از مرکز شهر و مراکز کار و تحصیل و اشتغال شهروندان؛ رعایت فاصله مناسب بین خانه و کار و تحصیل
 - ✓ توجه به سبک زندگی اسلامی مسلمانان در برنامه‌ریزی و طراحی بناها و فضاهای عمومی (نظیر بازارها، پارک‌ها، مراکز بهداشتی و درمانی، ادارات و مدارس)
 - ✓ ایجاد فضاهای شهری آرامش‌بخش با استفاده از الگوی باغ ایرانی، حضور آب و گیاه، رنگ‌های آرامش‌بخش (مساله آلودگی صوتی فضاهای شهری سواره مدار و استرس‌زا با رویکرد نفی سیل حل شود).
 - ✓ بازنگری در مبانی و مقررات برنامه‌ریزی و طراحی شهری، طرح‌های شهری با رویکرد هویت بخشی و تحقق قاعده نفی سیل.
 - ✓ بازنگری در مقررات ملی ساختمان و قوانین شهرداری‌ها با هدف ارتقای آسایش و آرامش در بناها و فضاهای و تحقق قاعده نفی سیل در کالبد شهری.
 - ✓ بازشناسی آسیب‌های اجتماعی (به‌ویژه حاشیه‌نشینی، فقر و بیکاری و فضاهای ناامن) با هدف حل ریشه‌ای این مسائل و جلوگیری از بازتولید مسائل دیگر شهری.

رابطه فقه و زیبایی‌شناسی معماری را می‌توان در همان جایگاه احکام و قواعد فقهی در زیبایی‌شناسی معماری جستجو نمود. قاعده لاضرر، یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقه مانند معاملات و عبادات به آن استناد می‌شود و در طول تاریخ فقه نظرات مختلفی پیرامون مفاد و آثار آن ارائه شده است. قاعده فقهی لاضرر؛ به تعبیر شهید مطهری برخی از قواعد از جمله این قاعده کار کنترل و تعدیل دیگر قواعد را به عهده دارد (علی‌آبادی و هاشمی طغر الجردی، ۱۳۸۹، ۲۲). قول پیغمبر (ص) لاضرر را چنین معنا کرده‌اند که "مرد نباید به برادر خود ضرر وارد سازد یعنی نباید چیزی از حق او کم بگذارد". پیامبر اسلام با بیان جمله لاضرر و لاضرار به "اصل نفی ضرر" اشاره فرموده‌اند. عبارت لاضرر و لاضرار به خوبی می‌تواند دو معنا را باهم افاده کند، از طرفی کل احکام ضرری را در شریعت نفی می‌کند و از طرف دیگر می‌فرماید ضرر زدن خارجی به وسیله حاکم و قانون نفی می‌شود به عبارت دیگر شارع می‌فرماید در قانون اسلام ضرر نیست و در جامعه اسلامی نیز ضرر نیست بدین معنا که باید از وقوع آن جلوگیری شود. به نظر می‌رسد که رساترین تعریف و تعبیر چنین باشد که گفته‌اند ضرر عبارت است از "نداشتن و از دست دادن هریک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که از آن بهره‌مند می‌شویم." (خسروی و دیگران، ۱۳۹۱، ۶).

بررسی موارد استفاده واژه‌های "ضرر" و "ضرار" در منابع اسلامی، نشان می‌دهد که ضرر، شامل تمام خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است، ولی ضرار مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی، به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به "سوءاستفاده از حق تعبیر" می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۴۰). قاعده لا ضرر به‌طور گسترده‌ای در ابواب غیرعبادی، مورد استناد کتب فقهی قرار گرفته است. مطالعات صورت گرفته توسط مهناز عباسپور نشان‌دهنده آن است که یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه به آن استناد می‌شود، قاعده لاضرر است. (خسروی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶) به موجب این قاعده، در یک نظام اسلامی هر حکمی که اجرای آن مستلزم زیان رساندن به دیگران شود، قابل اجرا نخواهد بود؛ حال این زیان جانی باشد و یا مالی و یا معنوی و روحی فرقی نمی‌کند (سیفیان، ۱۳۷۷: ۱). به‌طور کلی قواعد مهم مترتب بر زیبایی‌شناسی معماری به‌ویژه قواعد لاضرر، ضمان، نفی سیل، تسلیط، اهم و مهم و قاعده حلال و حرام را می‌توان به شرح جدول زیر بیان نمود:

جدول ۱- جایگاه احکام فقهی در زیبایی‌شناسی معماری و شهرسازی

قاعده فقهی	الزامات فقهی	زیبایی‌شناسی در طراحی شهری
قاعده لاضرر	ممنوعیت ضرر رساندن به خود و دیگران	ممنوعیت برنامه‌ریزی و طراحی که ضررهای جسمی، مالی، رفاهی، حقوقی برای خود و دیگران برساند
قاعده ضمان	دین و حق دیگران بر فرد	پرداخت کامل حقوق حقیقی عوامل سازندگان و همسایگان و عابران
قاعده نفی سبیل	نفی سلطه بیگانه بر مسلمانان	ممنوعیت استفاده از الگوی بیگانگان در آفرینش اثر معماری و تزئینات مربوط به آن
قاعده تسلیط	هر مالکی نسبت به مال خود تسلط کامل دارد	ممنوعیت برنامه‌ریزی و طراحی که حقوق مالکان را تضییع یا تهدید نماید
قاعده اهم و فلاحهم	تشخیص عقلی اولویت و تقدم احکام و اعمال برحسب تراحم ملاکات احکام	تقدم امور ضروری بر غیرضروری در زندگی مسلمانان؛ پرهیز از هزینه‌های غیرضرور در تزئینات بنا و فضا و اختصاص آن به ضروریات (مانند کمک به نیازمندان)
قاعده حلال و حرام	ممنوعیت استفاده از روش‌ها و مواد حرام	ممنوعیت تمثال گری و صورت گری در طراحی معماری

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۶، بهار ۱۴۰۱

Urban management
No.66 Spring 2022

۷۷

بنابراین دین اسلام در موضوع زیبایی‌شناسی، با طرح جمال که با معنا و محتوایی برآمده از خیر و نیکی، انسان‌ها را به خیرخواهی و ساده زیستی توصیه می‌نماید. در واقع در موضوع زیبایی‌شناسی اسلامی، احکام و اخلاق اسلامی مقدم بر ظاهر زیبا بوده و جمیل به معنای حقیقی که یکی از صفات خداوندی است بر زیبایی‌های حقیقی متکی است. زیبایی‌های حقیقی نیز همان سطوح مختلف آن است که طبیعت زیبا، مهر مادری، آزادی و ایشار و فداکاری و صداقت و جمال زیبای الهی است. به‌طور کلی می‌توان احکام و قواعد فقهی و اخلاق اسلامی مرتبط با زیبایی‌شناسی معماری به شرح زیر بیان نمود:

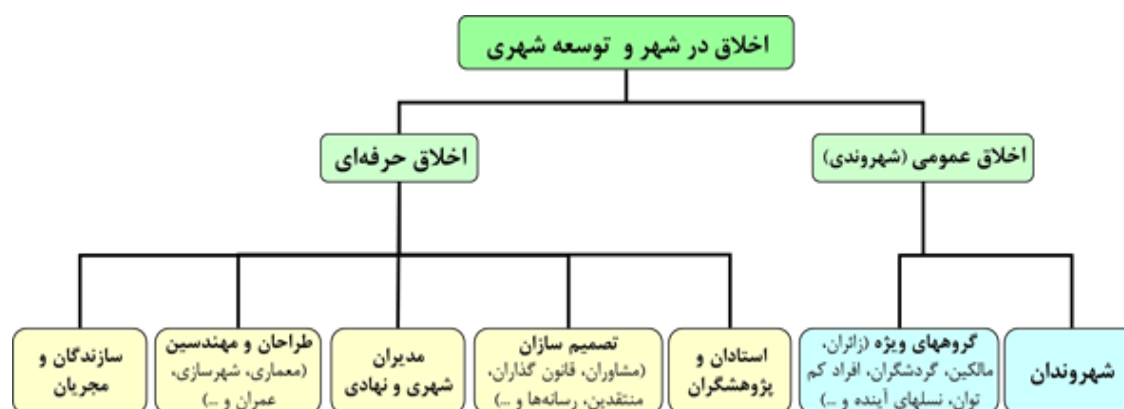
- ✓ قاعده فقهی لاضرر: طبق این قاعده همه افراد و نهادهای ذی‌نفع و ذی‌نفع در شهر به هیچ عنوان حق ضرر رساندن به منافع شهر و شهروندان و همین‌طور ضرر دیدن از دیگران را ندارند. مطابق این قاعده هرگونه ساخت‌وساز و آراستن و تزئین بنا و فضا نباید آسیب و زبانی به حق‌الله و حق‌الناس و حقوق طبیعت گردد.
- ✓ قاعده فقهی نفی سبیل: مطابق این قاعده فقهی، هرگونه الگو گرفتن از بیگانگان در ساخت‌وساز و معماری و شهرسازی جایز نبوده و سبک‌های نماسازی، برج‌سازی، فضا‌سازی و بنا و فضا‌آرایی به تقلید از بیگانگان دارای اشکال شرعی است؛ بنابراین در طراحی معماری و زیبا‌سازی رعایت الگوی بومی در کنار سایر احکام، از مهم‌ترین بایسته‌های معماری اسلامی است.
- ✓ قاعده فقهی اهم فلاحهم: طبق این قاعده تشخیص عقلی اولویت و تقدم احکام و اعمال برحسب تراحم ملاکات احکام ضروری است. تقدم امور ضروری بر غیرضروری در زندگی مسلمانان؛ پرهیز از هزینه‌های غیرضرور در تزئینات بنا و فضا و اختصاص آن به ضروریات (مانند کمک به نیازمندان) در این امر از بایسته‌های شهر و معماری اسلامی است.
- ✓ قاعده فقهی ضمان: طبق این قاعده انجام هر فعلی از جانب انسان که حق انجام آن را نداشته باشد نوعی دین بر گردن وی ایجاد کرده و با قاعده فقهی ضمان مغایرت پیدا می‌کند. در فرایند ساخت‌وسازها، تعیین حقوق حقیقی مهندسان ناظر و طراحی و کارگران و مجریان ضروری بوده و اختلاف فاحش درآمد سوداگران با گروه‌های مذکور می‌تواند مصداق ضمان باشد.
- ✓ قاعده فقهی دفع وجوب خطر محتمل: بر اساس این قاعده هیچ بنا و فضایی اعم زیبا و معمولی نباید مخاطره‌آمیز بوده و لازم است در تمامی مراحل ساخت‌وساز باید به نحوی عمل کرد که هرگونه خطر احتمالی دفع گردد تا در نتیجه رعایت این اصل امنیت روانی ساکنین تأمین گردد.
- ✓ قاعده فقهی سهولت: حکومت اسلامی به دنبال تأمین زندگی آسان برای شهروندان است، از این‌رو در تهیه و تنظیم مقررات شهری طبق قاعده سهولت عمل کرده و از تحمیل دشواری‌های بی‌قاعده خودداری می‌نماید.

- ✓ قاعده فقهی حریم: حفظ حریم و عدم تجاوز به حریم از هر نوعی اصلی اساسی در قواعد فقهی به شمار می‌رود. در قوانین مدنی و شهرسازی نیز رعایت حریم کاربری‌ها، معابر، همسایگی و ... ضروری می‌باشد و عدم رعایت آن منجر به مشکلات زیادی در شهر و محلات می‌گردد.
- ✓ قاعده فقهی حلیت: طبق قاعده رعایت حلال و حرام در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای قوانین شهری مانند همه قوانین جاری در حکومت اسلامی ضروری می‌باشد. علاوه بر این هر فعلی که مطابق با سایر قواعد فقهی موجب خسارت به شهر و شهروندان نگردد پیرو قاعده حلیت امکان تحقق پیدا می‌کند.

۳-۲- اخلاق اسلامی

اخلاق در شهر و شهرسازی را می‌توان در دو دسته عمومی و حرفه‌ای تبیین نمود. اخلاق (جمع خُلق)، در فرهنگ لغات عمید به معنای خوی، طبع، سنجیه، عادت (عمید، ۱۳۸۹: ۴۹۱) و در فرهنگ فارسی معین، اخلاق (جمع خُلق)، به معنای خوی، عادت، سنجیه، هیئت راسخ‌های است در نفس که مصدر افعال جمیله است عقلا و شرعا به سهولت چنانکه خلق نیکو گویند (معین، ۱۳۸۶: ۶۳۵) بیان شده است. در زبان انگلیسی هم معادل آن اتیک (Ethic) به معنای جمع علم اخلاق، بحث در امور اخلاقی، اصول اخلاق، روش اخلاقی یک نویسنده یا مکتب علمی یا ادبی و یا هنری، آیین، رفتار، کتاب اخلاق است. همچنین معادل‌های دیگری مانند Comportment, Behavior, Morality, Moral و ... نیز می‌تواند معانی نزدیک‌تری به اخلاق داشته باشد.

اخلاق حرفه‌ای گونه‌ای از اخلاق کاربردی می‌باشد که به بررسی چالش‌های اخلاقی‌ای که توسط شاغلین فنون و حرفه‌ها، هنرمندان، پزشکان، وکلا، کارگران و ... تجربه می‌شوند، می‌پردازد و به دنبال مطالعه و فهم مبانی ارزش‌ها و الزامات حرفه‌ای و مسئولیت اخلاقی فرد است. مسئولیت‌های سه‌گانه: ۱- فرد در قبال خود و دیگران در زندگی شخصی ۲- در قبال خود و دیگران در زندگی شغلی ۳- صنف و سازمان در قبال محیط داخلی و خارجی. اخلاق حرفه‌ای به‌منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد و در تعریف حرفه، آن را فعالیت معینی می‌دانند که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاق خاص است (قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۳۷).



شکل ۲- دسته‌بندی اخلاق در شهر و شهرسازی (نگارنده)

در نگرش‌ها، تصمیم‌ها و اقدامات نقش مهمی دارد. اصولی همچون تواضع، انصاف، عدالت، احترام، صداقت، پاک‌ی، ایمان در تمامی ابعاد زندگی فردی و جمعی محل آزمون انسان است. در شهر و شهرسازی، تواضع در ساخت‌وسازها می‌تواند به شکل خلق بناهای فروتن و متواضع نمود یابد. ایمان حقیقی به خداوند و تقید به احکام و اخلاق اسلامی می‌تواند به آفرینش ارسن زیارتی ماندگار برای تمامی زمان‌ها کمک نماید. همچنین پایبندی به انصاف و عدالت در برنامه‌ها به رعایت حقوق همگان اعم از حقوق مالکان، ضعیفان و نیازمندان و طبیعت ضروری است. احترام به مقام خاندان اهل بیت (ع) و زائران و تمامی عوامل ذی مدخل، می‌تواند به شکل‌گیری مجموعه ارسن شهری متعالی کمک نماید.

در احادیث پیامبران و امامان شیعه نیز توصیه‌های مؤکدی داشته است. روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم دلالت بر نفی احکام حرجی از عهده مسلمین دارد. امام جعفر صادق (ع) به نقل از رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «... ان الله تعالى كان اذا بعث نبيا قال له اجتهد في دينك ولا حرج عليك و ان الله تعالى اعطى امتي ذلك حيث يقول ما جعل عليكم في الدين من حرج».

آسایش و آرامش: شریعت اسلامی، بر حالت یسره (بقره، ۱۸۵) و نفی حرج (حج، ۷۸) مبتنی است. براین اساس، اراده خداوند بر آن است که زندگی انسانی، علی‌الاصول راحت و بی مشکل باشد. معماری و شهرسازی نیز که نوعی برنامه‌ریزی در فضای کالبدی مردم است از این اصل مستثنی نیست. برای مثال، توجه به مسئله امنیت و احساس آرامش و راحتی در طراحی محلات باید به خوبی لحاظ شود. همچنین، در جامعه اسلامی، انجام دادن تکالیف مذهبی نباید سخت باشد و باید مدل شهرسازی و شکل معماری به انجام دادن تکالیف شرعی کمک کند. این اصل می‌تواند در کارایی و راحتی استفاده از مبلمان شهری، فضاهای عبوری و نشیمن و ... در نظر گرفته شود. همچنین کارایی و راحتی مذکور باید برای تمامی سنین، گروه‌های اجتماعی نظیر زنان، کودکان، سالم‌خوردگان و ... لحاظ شود. در جامعه اسلامی با اهداف مختلف، بناهایی گوناگون ساخته می‌شود: ۱- بناهای شخصی که فایده آن‌ها محافظت از سرما و گرما، سلامت ساکنان، تأمین آزادی‌های فردی، حفظ هویت فکری و اعتقادی و به گونه کلی برای آسایش و آرامش است. ۲- اماکن عمومی شامل مراکز فرهنگی، مذهبی، بهداشتی، خدماتی و دولتی و عمومی است. بناهای عمومی برای ترویج فرهنگ و دانش، حفظ و ترویج شعائر دینی، حفظ و گسترش بهداشت، ارائه خدمات به مردم و اداره جامعه و حفظ اهداف نظام اسلامی که باید در چهره عمومی بناها و امکان شهر نمایان باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۵۳۷).

کرامت انسانی؛ کرامت، نحوه وجود و هستی خاصی است که کامل‌ترین مصداق آن برای خدای سبحان ثابت است که دارای عالی‌ترین درجه وجود بوده، بلکه خود، هستی محض است و چون معنای کرامت، هم بر واجب‌الوجود وهم بر ممکن به نحو اشتراک معنوی، نه لفظی اطلاق می‌گردد... کرامت مانند ولایت، غناء، شهادت و ... وصف نفسی است که لازمه آن افزاضه به دیگران است و معادل سخا، جود، عطاء، هبه و ... نمی‌باشد که وصف

در شهرسازی اسلامی الگوها را می‌توان از این حیث بررسی نمود که آیا این الگوها با اصول، احکام و اخلاق اسلامی مطابقت دارند یا نه؛ به عبارت دیگر الگوها بایستی به گونه‌ای طراحی شوند که امکان تحقق اصول، احکام و اخلاق الهی و اسلامی را فراهم نمایند. این اصول و احکام و اخلاق اسلامی عبارتند از:

- انجام تکالیف دینی: یکی از ارزش‌های انسانی که اسلام آن را صد در صد تأیید می‌کند، عبادت است. عبادت خلوت با خدا، نماز، دعا، مناجات، تهجد و مانند آن جزء متون اسلام است و از اسلام حذف شدنی نیست. به شرطی که انسان باید ارزش‌های مختلف را به‌طور هماهنگ در خود رشد دهد (مطهری، ۱۳۸۳: ۳۶). نماز از دو جنبه اهمیت بیشتری دارد: یکی از جنبه‌ی کمالات روحی که مظهر عالی‌ترین کمال نفس است و دیگر از نظر همان چیزی که پیغمبر اکرم نماز را عمود دین خوانده است و همه چیز دیگر را وابسته به نماز و قائم به نماز دانسته است، یعنی جنبه تربیتی نماز. (مطهری، ۱۳۷۷ ج ۷: ۲۶۲). نماز و مسجد پشتوانه آزادی و امنیت و عدالت و مساوات و صلح و همزیستی است؛ پشتوانه شهرداری خوب، شهربانی خوب، دادگستری خوب، ارتش خوب، اجتماع خوب، بازار خوب، تجارت خوب است (مطهری، ۱۳۷۷ ج ۷: ۲۶۷). از این رو انجام واجبات و ترک محرمات، مهم‌ترین وظیفه اجتماع است که اهتمام تمام اجزاء جامعه را تحقق آن می‌طلبد. تجلی جمعی این تکالیف، اجتماعی واحد و اسلامی را شکل می‌دهد و الگویی برای جامعه اسلامی خواهد بود.
- مصلحت اجتماع: در خصوص اولویت مصالح و منافع اجتماع بر منافع فردی نیز از رسول اکرم (ص) روایت شده: "انجا که دو امر واجب‌الاحترام جمع شد باید از کوچک‌تر به خاطر بزرگ‌تر صرف‌نظر کرد" ابن اثیر نیز این حدیث را این‌گونه نقل کرده است: "اگر چیزی باشد که در آن فایده جمع و زیاد فرد باشد، منفعت جمع بر زیان فرد مقدم است". این موضوع در باب مخصوصی در فقه اسلامی به نام باب "تراحم" یا "اهم و مهم" توسط فقها مطرح شده و تعیین درجه اهمیت مصلحت‌ها با توجه به راهنمایی خود اسلام به عهده فقها و کارشناسان اسلامی گذاشته شده تا مصالح مهم‌تر را بر مصالح کم‌اهمیت‌تر ترجیح دهند و خود را از بن‌بست خارج نمایند. همچنین قاعده "لا ضرر" و قاعده "حرج" نیز از جمله قواعد کنترل‌کننده و تنظیم‌کننده امور اجتماع می‌باشند (مطهری، ۱۳۸۲: ۶۲-۶۳). موضوع نفی عسر و حرج

- نسبی و ناظر به مقام اضافه به غیر است ... گرچه اکرام و تکریم در بعضی از اقسام و درجات خود معادل جود و هبه و ... می‌باشد، کما اینکه مقابل کرامت، لثامت و مقابل جود، بخل و مانند آن است و ممکن است انسان وارسته در حال تهیدستی کریم باشد، ولی جود و وهاب نیست؛ زیرا کرم‌داری که درم ندارد، بالفعل کریم است؛ گرچه بالفعل جواد و واهب و ... نمی‌باشد. اکرام و همچنین تکریم اگر به معنای کریم نمودن دیگری باشد، معادل با مطلق جود و بخشش نیست؛ مانند "وَجَلَنی مِنَ الْمَكْرَمِینَ" (سوره یس، آیه ۲۷) که در این جمله، اکرام به معنای کریم نمودن و مکرم ساختن انسان است و همچنین اگر به معنای و مکرم ساختن انسان است... (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۷-۱).
- همچنین در متون اسلامی بر لزوم کرامت انسانی تأکید شده است. فضاهای شهری باید زمینه‌ساز کرامت انسانی باشند.
- تعالی و کمال انسان: از آنجا که، در جامعه اسلامی، تساوی دو روز مؤمن غبن است، باید امکانات شهری و نوع ساخت‌وسازها برای احاد جامعه امکان رشد را فراهم سازد. فضای اماکن عمومی باید انجام دادن امور عبادی سهل و مناسب را عملی سازد. در تربیت انسان‌های فکور، انتخاب‌گر، مختار، مسئول و متعهد فضاهای شهری می‌توانند نقشی مهم ایفا نمایند. این فضاها از یک‌سو با تأمین بستر حضور فعال و مثبت انسان و از سوی دیگر با جای‌دهی برنامه‌ها و رویدادهای آموزنده و تربیت‌کننده این مهم را به انجام می‌رساند. همان‌طور که، طراحی باید با سنت طبیعت خدادادی هماهنگ باشد، باید با سنت شریعت الهی نیز هماهنگ باشد. هرقدر، نوع ساخت‌وسازها بتواند حاکمیت خداوند را متجلی کند و حضور او را به نمایش بگذارد، به همان میزان به معماری و شهرسازی اسلامی نزدیک‌تر شده است. برای مثال، با توجه به جایگاه مسجد در تعلیم اسلامی شایسته است، در طراحی و استخوان‌بندی و کاربری فضاها، مسجد پایگاه و محور فعالیت‌های اجتماعی باشد.
- با توجه به مبانی نظری و تحلیل‌های مربوطه می‌توان چارچوب نهایی و یافته پژوهش را به شرح دیاگرام زیر بیان نمود. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود احکام اسلامی جایگاهی اساسی در شهر اسلامی داشته و از بین احکام اسلامی، قاعده فقهی نفی سیبیل جایگاهی اساسی و نیز درباره سایر احکام فقهی نیز مترتب است. به‌طوری که هر امری که موجب سلطه بیگانه بر مسلمانان باشد، از منظر نفی سیبیل می‌تواند مردود شود.

- معنویت‌گرایی؛ زیارت و زیارتگاه‌ها دارای معنویتی هستند که در نام و فضاهای و مناظر آن ایجاد می‌شود و فرد زائر با حضور (ذهنی یا عینی) در آن به کسب فیض می‌پردازد. توسعه شهرهای زیارتی، به‌ویژه مجموعه بقاع متبرکه و بافت پیرامون آن نیازمند برنامه و طرحی است که معنویت معطوف به زیارت و بقعه را تضعیف ننموده، بلکه آن را تقویت نماید. عواملی که معنویت مجموعه بقعه و فضاهای پیرامون را برای زائران، ساکنان، مراجعان و تمامی عوامل ذی‌مدخل تقویت می‌نماید عبارتند از:
- مناظر ایرانی اسلامی در بقعه و بافت پیرامون با بهره‌گیری از هنر و معماری ایرانی اسلامی می‌تواند معنویتی به فضا بخشیده و فضای معنوی را برای زائران و مخاطبان عرضه نماید.
- کارکردهای معنوی؛ همچون دارالشفاء که علاوه بر کارکرد بهداشت و درمان، با معنویتی برگرفته از باور شیعی آمیخته است. همچنین دارالرحمه که علاوه بر کارکرد تدفین معنوی معطوف به معاد و توسل به اهل‌بیت (ع) را به همراه دارد. همچنین کارکردهای دارالقرآن، مهد قرآن، کتابخانه، موزه و دارالضیافه حرم که همگی به‌واسطه انتساب به بقاع متبرکه، از معنویت شیعی برخوردارند و فرد زائر مطابق با باور شیعی خویش به استفاده از این فضاها می‌پردازد. در این راستا از احداث فضاها و کارکردهای با الگوی غیربومی مانند پاساژ، سینما، پارک و تفریح گاه‌های مروج سبک زندگی غربی پرهیز گردد.
- حرمت حرم؛ در ابعاد فرهنگی، فضایی-کالبدی، کاربری و فعالیتی مجموعه حرم و شهر زیارتگاهی چنان توسعه و مدیریت گردد که حرمت قدسی امام (ع) و امامزاده (ع) به هیچ شکلی نقض گردد. این امر به‌ویژه در سبک زندگی قابل بررسی، تبیین و تحقق است.
- رعایت حریم حرم؛ با کنترل ساخت‌وسازهای بقعه و پیرامون آن، به‌ویژه حریم ارتفاعی گنبد و مناره‌های حرم بالاتر از هر بنایی باشد. محدوده این حریم ارتفاعی در طرح‌های توسعه شهری تعریف و اعمال می‌شود.
- کاربست الگوی معماری ایرانی-اسلامی؛ در طراحی بناهای بقعه و بافت پیرامون از الگوی معماری غیربومی و غربی استفاده نشود. ازجمله این موارد نماهای رومی و شیشه‌ای، برون‌گرایی بیش از حد و خودنمایی بناها و فضا، تجمل‌گرایی و برج‌سازی و ساخت‌وسازهای درشت مقیاس می‌توان نام برد.

معاصر ایرانی اسلامی شناخته می‌شوند.

افراد نیازمند و آسیب‌دیده از جمله اقشاری است که توجه به مسائل و نیازهای آن‌ها ضروری است. در سبک زندگی اسلامی، دستگیری و کمک به نیازمندان بسیار توصیه شده است. این اقشار شامل فقرا، معلولین نیازمند، بی‌خانمان‌ها و معتادین، در راه ماندگان، بیماران خاص و معضلاتی نظیر بیکاری، بی‌آبی، محرمیت مناطق دورافتاده، ساکنان اسکان غیررسمی و زاعه‌نشینان است. بقاع متبرکه می‌تواند کانونی برای کمک‌رسانی و بسیج خدمات به این گروه‌ها باشد.

اجتماعات صنفی؛ از گذشته در ایران زمین دارای سنت‌ها و رسوم خاص خود بوده‌اند. بسیاری از صنوف دارای فتوت نامه بوده‌اند که اصول اخلاق را پیشه خود قرار داده و افراد عضو با یادگیری مهارت‌ها و تعهد قلبی و زبانی و کتبی به این اصول پایبند می‌شده‌اند. بدین طریق کیفیت کار تضمین می‌شده و اصول اخلاقی نیز ترویج و محقق می‌شد؛ اما امروزه با کم‌رنگ این اصول اخلاقی در اغلب صنوف، وظایف اخلاقی جای خود را به منافع، فردی و گروهی و سازمانی داده و مسائل بسیاری تولید شده است. احیای این اصول اخلاقی در کسبه و صنوف مختلف با روش‌های خلاقانه و ترویج آن در نظر و عمل می‌تواند به تحقق سبک زندگی اسلامی و توحیدی کمک نماید.

۴-۲- الگوی توده و فضا

بقاع متبرکه در مناطق و اقلیم‌های مختلف از الگوی توده و فضای گوناگونی برخوردارند. شکل و فرم و نسبت فضاهای پرو خالی، نحوه ارتباط با بافت پیرامون، آرایش فضاهای جانبی، الگوی دسترسی و حرکت در مجموعه بقاع متبرکه و حریم‌های امامزادگان، از الگوهای قابل‌بازشناسی هستند. اغلب مجموعه‌های زیارتی و عبادی با بهره‌گیری از معماری و شهرسازی ایرانی_اسلامی، فضاهای منسجم و کارآمد در طول خلق نموده‌اند. مجموعه اماکن زیارتی، از فضاهای پر و خالی همگن و منسجمی برخوردارند که علاوه بر زیبایی، واجد بازشناسی و توسعه آن برای شهرسازی معاصر هستند. این الگوی توده و فضا، مانع از ایجاد توده و بنای بزرگ شده و به پایداری آن کمک می‌کند. ویژگی‌های این الگوی توده و فضا عبارتند از:

- فضاهای شهری بومی؛ این نوع فضا بندی، فضاهای شهری ویژه‌ای را خلق می‌نماید که از کیفیات محیطی همچون آرامش، پیاده‌مداری، تعیین فضایی، تشخیص و خوانایی، هویت و اصالت، اجتماع‌پذیری، سرزندگی و رویدادمرداری برخوردار

۶) کاربست الگوی ایرانی_اسلامی در طراحی فضاهای شهری در بافت پیرامون بقعه و شهرهای زیارتی بکار گرفته شود. در این راستا از الگوهای غیربومی و سبک زندگی فردی و اجتماعی غیربومی (همچون پرسه زنی، تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، خودنمایی، مدگرایی، رقابت‌های منفی و چشم‌وهم‌چشمی) را ترویج می‌نمایند، پرهیز شود.

۴-۱- الگوهای طراحی شهری با رویکرد تعالی توحیدی

۴-۱- الگوی اجتماع و تعاملات اجتماعی

خانواده مهم‌ترین شکل اجتماعات انسانی است که در اندیشه اسلامی و سبک زندگی اسلامی نیز جایگاهی والا دارد. خانواده شامل پدر، مادر و فرزندان است که می‌تواند در مکان‌های مختلف علاوه بر خانه، مانند کارکردهای عبادی، خرید، سفر، زیارت، تفریح و ورزش مبنای برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای خصوصی و عمومی باشد. توجه بر حقوق خانواده، اجتماع را پایدار می‌نماید. این امر از طریق تأمین بستر زندگی عمومی و خصوصی خانواده مبنای کارکردهای مختلف از قبیل تفریح، خرید، ورزش و زیارت فراهم می‌شود. مشوق‌های حضور و اجتماع خانواده مبنای، زیرساخت‌های خانواده مبنای، مبلمان شهری خانواده مبنای و بناها و فضاهای شهری خانواده مبنای از جمله این زمینه‌هاست.

هیات حسینی ازجمله مهم‌ترین الگوهای اجتماعی در شهرهای شیعی به‌ویژه ایران است. هیات‌های حسینی، علاوه بر کارکردهای عزاداری و جشن‌ها و اعیاد مذهبی، مؤثرتر از سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، به ارائه خدمات در مواقع بحرانی از قبیل سیل، زلزله، جنگ و بیماری‌های همه‌گیری می‌پردازند. این اجتماعات مذهبی، مملو از معنویت بوده و صرفاً با باور قلبی در جمع هیات حضور می‌یابند و به اشکال زیبایی در قالب دسته عزاداری، پایگاه‌های ارائه خدمات به زائران و نیازمندان سازماندهی شده و در کنار برگزاری آیین‌های اسلامی، نیازهای بسیاری را جامعه مرتفع می‌نمایند. مساجد و حسینیه‌ها و بقاع متبرکه از مهم‌ترین پایگاه‌های حضور و ارائه خدمات این اجتماعات است.

گروه‌های جهادی نیز مشابه هیات حسینی، دارای روحیه مذهبی و معتقد به مبانی دینی و باور شیعی، گروه‌های خود سازمان‌یافته‌ای هستند که در کمک‌رسانی به مناطق محرم و نیازمندان در مواقع بحرانی و عادی به انجام خدمات می‌پردازند. در صورت حمایت‌های مالی از این گروه‌ها، دامنه خدمات آن می‌تواند توسعه‌یافته و به‌عنوان الگویی در فعالیت‌های داوطلبانه در فرهنگ

است.

- الگوی حیاط مرکزی؛ که با نام صحن و حیاط فضایی تخصصی، پویا و چند عملکردی و درون‌گرا نسبت به بافت پیرامون یک الگوی اصیل و مطلوب بوده است. صحن‌ها معمولاً با اندازه‌ها و تناسبات گوناگونی دارند که با نام‌های منحصربه‌فرد، کارکردهای مشابهی، اعم از عبادت، برگزاری مراسم نماز جماعت، عزاداری، وعظ و اجتماعات خانوادگی را دارند. برخی صحن‌ها با دارای حوض آب و برخی فاقد آن هستند، همچنین برخی صحن‌ها به‌عنوان گورستانی در گذشته و حال برای افراد خاص و عام همچون صحن باغ طوطی حرم حضرت عبدالعظیم (ع) عمل نماید.
- الگوی اتصال سلسله‌مراتبی؛ همچنین اتصال فضاها با الگوی سلسله‌مراتبی و برخورداری از فضاهای حد واسط و اتصال‌دهنده همچون سردر، آستانه، دالان و رواق، ضمن حفظ حرمت فضاهای مقدس، امکان آمادگی و ادراک فضا و بهره‌مندی از معنویت آن را فراهم می‌نماید.



شکل ۳- ویژگی‌های الگوی توده و فضای مجموعه بقاع متبرکه و حرم امامزادگان (نگارنده)

۴-۳- الگوی بناهای خصوصی و عمومی

خانه در اندیشه توحیدی، مهم‌ترین محل زندگی انسان و رشد و کمال اوست. از این منظر، خانه باید فراخ، ایمن و امن، دارای حیاط و طبیعت، برخوردار از فضاهای کافی برای تمامی اعضای خانواده و با معماری ایرانی-اسلامی طراحی شود. رعایت حریم در همسایگی و محرمیت فضاهای داخلی و حیاط خانه از دید افراد غیر از مهم‌ترین احکام خانه می‌باشد. تهویه و روشنایی مطلوب، برای سلامت فضاها و ساکنان از الزامات کلیدی است. همچنین دسترسی آسان و درعین حال ایمن و امن برای ساکنان از لحاظ پله‌های رهوار، درب مناسب و سلسله‌مراتب فضایی از دیگر ضروریات طراحی خانه می‌باشد. سادگی در منظر بیرونی و تزئینات داخلی سازگار با احکام و اخلاق اسلامی از دیگر معیارهای خانه مطلوب می‌باشد. در نظر گرفتن فضایی مطلوب مختص عبادت و نیایش از الزامات خانه مسلمان هست. ایمن بودن از بلایای طبیعی و انسانی، به‌ویژه زلزله، سیل، طوفان، آتش‌سوزی و سرقت برای خانه حیاتی است. از دیگر الزامات خانه، استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش و حضور طبیعت شامل باغچه و حوض به‌ویژه در حیاط خانه و امکان تفرج و استراحت و ورزش در آن است. قرارگیری خانه در بهترین راستا نسبت به خورشید که در اغلب مناطق ایران راستای شمالی جنوبی است و نیز دور ماندن از سروصدا و مزاحم‌های شهر به‌ویژه ترافیک و تردهای عبوری از ضرورت‌های طراحی خانه است. ارتفاع خانه در الگوی توحیدی نباید خیلی بلند باشد بلکه خانه‌هایی یک و دو طبقه با امکان استفاده از زیرزمین برای خانه مناسب است. تراکم و ارتفاع بیشتر بناهای مسکونی، مشکلات و آسیب‌های گوناگون جسمی و روحی و عملکردی دارد که در مواقعی از جمله بحران‌ها نمایان می‌شود. در طراحی محله نیز مرکزیت محله با مسجد و تأمین سایر کارکردهای موردنیاز محله با الگوی ارسن محلی از بایسته‌های طراحی توحیدی است.

بناهای عمومی شامل مدارس، مساجد، بازارها، ادارات، درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها و تفریحگاه‌هاست. الزامات طراحی بناهای عمومی شامل استفاده از الگوی معماری ایرانی-اسلامی، استحکام و ایمنی، خوانایی و شخصیت بصری، سهولت استفاده برای همگان به‌ویژه افراد کم‌توان، تهویه و روشنایی مطلوب، دسترسی آسان و درعین حال ایمن و امن، ایمن بودن از بلایای طبیعی و انسانی، به‌ویژه زلزله، سیل، طوفان، آتش‌سوزی و پرهیز از تجمل‌گرایی از معیارهای

باغ و گیاهان بوده است و شهرنشینی و شهرسازی با الگوی غیربومی و سرکشیدن برج‌ها و آپارتمان‌ها و گسترش مسیرهای آسفالت موجب از بین رفتن این الگو گردید. بازگشت به الگوی مذکور نیازمند تغییر رویه‌ها و الگوی شهرسازی و معماری است چرا که این گونه ساخت‌وساز، علاوه بر تبعات منفی اجتماعی و فرهنگی، طبیعت و گیاهان را از شهر و خانه‌ها گرفته و شهر بدون طبیعت تولید می‌شود. در این راستا روش‌های تزیین از قبیل جداره سبز و بام سبز نیز تصنعی و تقلیدی بوده و نمی‌تواند جایگزین حیاط باغچه دار و باغات محله‌ای و شهری شود.

خاک و زمین به‌عنوان بستر زندگی انسان‌ها، نیازمند تکریم و احترام است. ارتباط مستقیم با زمین و خاک در سکونت و فعالیت آرامش‌بخش است. استفاده از زمین به‌عنوان فضای پشتیبان و پناه گرفتن در آن در حد زیرزمین یک طبقه می‌تواند به آسایش ساکنان کمک نماید. عدم مداخله درشت گسترده مانند حفاری و گودبرداری‌های عمیق به زمین آسیب‌زده و موجب ناپایداری و از بین رفتن اندام‌های طبیعی می‌شود. فشار بیش از حد بر زمین و خاک از طریق ساخت‌وساز، کشاورزی و صنایع موجب فرسایش و از بین رفتن آن و در نتیجه از بین رفتن امکان حیات خواهد شد. امری که در اغلب شهرهای ایران و حتی روستاها با احداث باغ ویلاها، برج‌ها، کشاورزی انبوه، صنایع فرسوده این عوارض را تشدید می‌نماید. در این راستا استفاده از مصالح بومی به‌ویژه آجر و سنگ‌های منطقه پیرامون علاوه بر هویت و صرفه‌جویی اقتصادی می‌تواند به منظر شهری هماهنگ با زمینه کمک نماید.

۴-۵- الگوی مناظر شهری بقاع متبرکه

بقاع متبرکه به‌عنوان فضاهای مذهبی (و اجزای آن‌ها اعم از گنبد، مناره، ورودی، ایوان و ...) می‌توانند در ذهن انسان به‌عنوان نقطه مبنا برای ارجاع به هویت ملی و مذهبی، بازیابی هویت، یادآوری، خاطرات و جهت‌یابی استفاده شود. به گفته لینچ نشانه‌ها در سلسله‌مراتب شهری دارای سلسله‌مراتب خود بوده، هر منطقه، شهر دارای نشانه‌های شهری تا محله‌ای می‌باشد. در مسیر آیینی و مذهبی هجرت امام رضا (ع) به ایران، قدمگاه‌ها به‌عنوان نشانه‌ها و نمادهایی پررنگ در اذهان و خاطرات مردم نقش بسته و نمود فرهنگی، کالبدی و مذهبی ویژه‌ای را ارایه می‌نماید. مراجعه مردم در مناسبت‌های ویژه در طول سال، ارجاع دهی به این قدمگاه‌ها در آدرس‌دهی به افراد، جستجوی گردشگران از جمله دلایل اثبات جایگاه نشانه‌ای قدمگاه‌ها به‌ویژه قدمگاه‌های رضوی می‌باشد. معارف شیعی، مهم‌ترین

طراحی بناهای عمومی است. مکان‌یابی مناسب این بناها در مراکز محله و شهر، پرهیز از ارتفاع و تراکم بیش از حد، رعایت حقوق شهروندی و احکام و اخلاق اسلامی در فرایند برنامه‌ریزی تا بهره‌برداری ضروری است.

زیرساخت‌های شهری شامل تأسیسات زیربنایی و روبنایی است. تأسیسات زیربنایی شامل آب، برق، گاز، مخابرات و اینترنت است و کارآمدی، پاسخ‌دهی، ایمنی و امنیت این زیرساخت‌ها بسیار ضروری است. تأسیسات روبنایی شامل کاربری‌های آموزشی، بهداشتی، درمانی، گورستان‌ها و تفریحگاه‌هاست که الگوی معماری ایرانی-اسلامی، تزیینات ایرانی اسلامی، استحکام و ایمنی، خوانایی و شخصیت بصری، سهولت استفاده برای همگان به‌ویژه افراد کم‌توان، تهویه و روشنایی مطلوب، دسترسی آسان و درعین‌حال ایمن و امن، ایمن بودن از بلایای طبیعی و انسانی، به‌ویژه زلزله، سیل، طوفان، آتش‌سوزی و پرهیز از تجمل‌گرایی از معیارهای طراحی زیرساخت‌های شهری است.

۴-۴- الگوی تعامل با طبیعت

آب‌وهوا مهم‌ترین عناصر موردنیاز حیات انسان هستند و هرگونه خللی در فرایند آن‌ها موجب اختلال حیاتی می‌شود. آمایش کاربری‌ها (به‌ویژه صنایع و کشاورزی با مصرف بالای آب) بارگذاری بر مبنای توان محیطی منطقه و منابع آب موجود در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای ضروری است. شکل‌گیری و گسترش کلانشهرها در مناطق کم آب ایران زنگ خطری است که علاوه بر مسائل کم‌آبی، بحران‌های دیگری را نیز در بلندمدت ایجاد می‌کند. سبک معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی، طبیعت از جمله آب‌وهوا را تکریم نموده و از اتلاف و تخریب آن پرهیز می‌نماید. حفاظت و مرمت قنات‌ها به‌عنوان سنت آبرسانی و سازه‌های طبیعی و فرهنگی آب، گرامیداشت آب و سنت‌های آن در این راستا توصیه می‌گردد.

گیاهان شامل درخت، درختچه، گل، بوته که در اشکال باغ و باغچه شهری، محله و خانه قابل ملاحظه هستند از ضروریات زندگی انسان، اجتماع و شهر است. وجود طبیعت بکر در شهر از توصیه‌های سبک زندگی اسلامی است. طبیعت بکر و نه پارک‌های تصنعی امکان تعمق در تأمل در خلقت خداوندی و تمدد اعصاب را فراهم نموده و انسان را برای آغاز مجدد فعالیت‌هایش کمک می‌نماید. ارتباط با گیاهان، آرامش‌بخش و نشاط‌آور بوده و تکریم درختان وظیفه قانونی و اخلاقی هر انسان و اجتماعی است. الگوی توده فضای شهرها و روستاهای قبل از عصر حاضر آمیختگی توده و فضا با طبیعت،

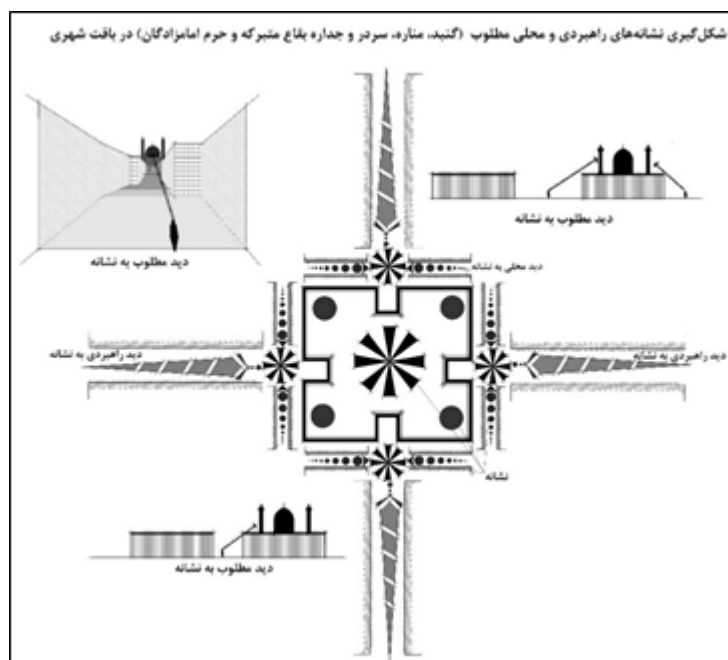
معانی و آثار ارزشمند در مسیر هجرت امام رضا (ع) می‌باشند. این معارف به‌عنوان نشانه‌های حقیقی قابل نشر و گسترش در سرتاسر سرزمین ایران هستند. تجلی این نشانه‌ها در زندگی مردم و ابعاد مختلف جامعه ایرانی اسلامی و نیز به‌صورت نمادهای فرهنگی، هنری و فضاهای فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، فرصتی مهم برای بهره‌گیری از این معارف می‌باشد.



شکل ۴- فضاهای مذهبی شهری و اجزای آن‌ها به‌عنوان نشانه‌هایی مهم در تصویر ذهنی شهروندان: حرم حضرت شاه عبدالعظیم نشانه‌ای مهم در تصویر ذهنی مردم ری و تهران (راست)؛ ورودی امامزاده عبدالله شهری (وسط)؛ آرامگاهی در ابن بابویه، شهری (چپ)

تزئینات در اغلب فضاهای بقاع متبرکه در جداره‌ها و سقف و بازشوها، از نگاره‌های اسلیمی، کاربردی، مقرنس‌کاری، هنرهای آجرکاری و کاشی‌کاری (مانند گره بندی) و نیز آیات قرآن و احادیث مزین می‌باشد. این هنرها علاوه بر زیبایی، با مضامین قرآنی و روایات اهل بیت (ع) جنبه تذکر و اخلاقی داشته است به‌طوری‌که زائر و بیننده با تدبیر در آن‌ها به ارتقای ایمان و اعتقادات و بازمینی اعمال خویش پیردازد؛ اما تزئینات در بافت پیرامون که ترکیبی از گذرها و میدان‌ها و میدانچه‌ها، بازار و بازارچه و خانه‌ها هستند معمولاً متفاوت از بقعه بوده و سادگی در منظر بیرونی بناها مشهود است. البته بناها با درون‌گرایی، تزئینات خود را اغلب رو به درون (حیاط و اندرونی و ...) محدود نموده و مناظر بیرونی ساده و بدون جلوه‌گری را ارائه می‌نمایند.

اگرچه این امر در عصر حاضر تغییر کرده و بناهای مسکونی و تجاری با طبقات و ارتفاع بیشتر و نماهای اشرافی و تجملاتی، به دور از سادگی، جلب‌توجه می‌کنند. بدین ترتیب فضاهای شهری نیز مملو از مناظر و نماهای اشرافی و هزینه‌های گزاف آن است که حاکی از چشم‌وهم‌چشمی، سبک زندگی مصرف‌گرا و تجملاتی، نبود الگو و مقررات و نظارت کنترل‌کننده از طرف مدیریت شهری است. امام به‌رحال الگوی اصیل همان سادگی مناظر بیرونی و محدود نمودن تزئینات در داخل بنا (با رعایت اصول هنری و احکام مربوطه) می‌باشد.



شکل ۵- منظر شهری در بافت شهری با مرکزیت بناهای مذهبی (نگارنده)

داشته است، جدایی این دو منجر به آموزش صرف شده و علاوه بر سبک زندگی غیربومی، امور تربیتی نیز به مرور فراموش می‌شود. درخصوص کاربری‌های درمانی همچون درمانگاه و بیمارستان نیز چنین است که اطلاق نام دارالشفاء به کاربری درمانی معنویت و باور قلبی را نیز به همراه دارد که در سلامت روان حائز اهمیت است.

فعالیت‌ها در الگوی توحیدی نیازمند فضا و بستری تربیت دهنده و معنویت‌گراست که با هدایت فعالیت‌ها با محوریت آموزه‌های اسلامی به رشد و تعالی و بالندگی انسان کمک نماید. ازجمله این فضاها، مجموعه‌های تفریحگاهی است که نیازمند تبیین الگوی ایرانی اسلامی است. این فعالیت‌ها در محله و شهر، با محوریت خانواده و گروه‌های سنی و جنسی همگن، در مجموعه ارسن مذهبی، باغ ایرانی، تفرجگاه‌های درون‌شهری که با رعایت احکام و اخلاق اسلامی و حقوق شهروندی طراحی شده باشند، محقق می‌شود. بازطراحی فضاهای شهری در محله و شهر نیز با محوریت خانواده و حریم‌های شرعی و اخلاقی، به رفع نیازهای مختلف انسان اعم از معاشرت همسایگی، بازی کودکان، ورزش و تحرک، خدمات و خرید روزانه ضروری است. ازجمله ملاحظات این بازطراحی، ایمنی و امنیت، آرامش و رعایت حریم و حقوق شهروندی است.

ارسن شهری، الگویی بومی در معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی است که دارای گونه‌های مختلف ازجمله ارسن زیارتی است. ارسن زیارتی با مرکزیت ضریح مقدس و فضاهای زیارتی و نیایشی پیرامون آن و فضاهای باز و سرپوشیده مختلف از قبیل صحن‌ها و شبستان‌ها، کارکردهای مکملی را می‌طلبد که در ابعاد فرهنگی، خدماتی، بهداشتی، درمانی، نمایشگاهی و هنری و ... قابل برنامه‌ریزی و توسعه می‌باشد. مقیاس و مساحت و تنوع این فضاهای و کارکردهای مکمل به سطح عملکردی بقعه و حجم زائران در ایام روزمره و ویژه وابسته بوده و درباره هر بقعه نسبت به بقعه دیگر متفاوت خواهد بود؛ اما به‌طور کلی وجود دارالشفاء، دارالقرآن، مهدکودک و کتابخانه می‌تواند برای اغلب بقاع متبرکه مناسب باشد.

واقفان و متولیان برخی امامزادگان و بقاع متبرکه برای دلجویی و پذیرایی از زائران، در راه ماندگان و مسافران؛ آن‌ها را اطعام نموده و محلی را برای استراحت و استقرارشان در نظر می‌گرفتند. به گزارش ابن بطوطه تاش خاتون، مادر اسحاق اینجوف دستور داد تا در جوار مزار شاه‌چراغ مکانی برای اطعام ایجاد گردد و مردم در فاصله نماز عصر و شام با خوراک و میوه و حلوا پذیرایی شوند (ابن بطوطه، ۱۳۹۵: ۱/۲۶۱). در امامزاده اسماعیل از بقاع متبرکه و زیارتگاه عمومی مردم در اصفهان است و به قولی چهل خانه در اطراف آن وقف زوار و مسافران

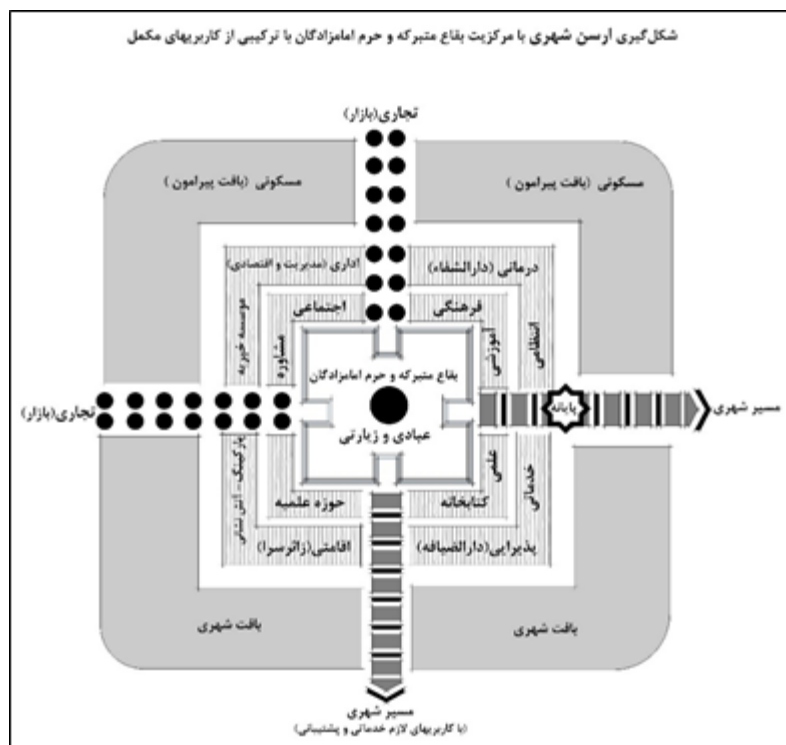
در بیشتر مواقع فضاهای مذهبی به‌صورت گره و نشانه ادراک می‌شوند. البته اگر فضاهای مذهبی به‌صورت پهنه‌های بزرگ و وسیعی (شامل صحن‌های متعدد، شبستان‌ها، گنبد خانه‌ها، رواق‌ها، ورودی‌ها و ...) باشند می‌توانند به‌عنوان حوزه یا محله نیز ادراک شوند؛ مانند مجموعه حرم امام رضا (ع)، مصلی بزرگ تهران، مجموعه مسجدالحرام در مکه، مجموعه مسجدالنبی در مدینه، آرامستان‌هایی همچون بهشت‌زهره در تهران، مجموعه حرم حضرت معصومه (س) و فضاهای وابسته در قم و همچنین فضاهای مذهبی می‌توانند مسیرها یا راه‌هایی را به وجود آورند؛ مانند مسیر بین‌الحرمین در کربلا مابین حرم امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع)، یا مسیر حرکت دسته‌های عزاداری در شهرها و روستاها، مسیر حرکت مراسم‌های آیینی مانند قالی‌شویان مشهد اردهال کاشان.

خط آسمان، مرز جدایی فضای شهری از آسمان می‌باشد که شامل خط پایه و خط ترکیب است. خط پایه، خطی است که جداره مسطح بنا به آن ختم می‌شود. خط ترکیب خطی است که حد نهایی فضای شهری را مشخص می‌نماید. این عنصر کالبدی شامل مجموعه احجامی است که در ترکیب بام بناها وجود دارد و یا در ترکیب ابنیه بلندتر مستقر در پشت جداره قابل‌رویت است. خط آسمان شهری می‌تواند یکنواخت، متنوع، هماهنگ یا ناهماهنگ و مغشوش باشد. خط آسمان هر شهر و منطقه‌ای می‌تواند به‌مثابه شناسه آن شهر و منطقه تلقی گردد. اگر خط آسمان شهری هماهنگ یا متنوع باشد می‌تواند ضمن داشتن انتظام کالبدی و بصری، خاطره‌انگیز، هویت آفرین و شخصیت‌ساز باشد.

۴-۶- الگوی کارکردها و فعالیت‌های شهری

کاربری‌ها در رویکردی تعالی‌گرای توحیدی باید علاوه بر نیازهای اولیه، بر نیل به نیازهای متعالی همچون معنویت و کمال نیز کمک نماید. این امر در محله نیازمند الگوی طراحی شهری است که با مرکزیت مسجد و ارسن محله پیرامون آن کاربری‌های مکمل و موردنیاز را نیز در پناه مسجد ارایه نماید؛ به عبارت دیگر اجتماع کاربری‌ها حول مسجد معنویت به آن می‌بخشد. همچنین در مراکز شهری نیز با کانونیت مساجد، بقاع متبرکه، حسینیه‌ها، گورستان‌ها و غیره می‌تواند ارسن شهری شکل گرفته و از معنویت بنا و فضای عبادی و زیارتی بهره‌مند شود. نگاه صرفاً عملکردی به کاربری‌های آموزشی، درمانی، ورزشی و اداری منجر به تبعات منفی و دور شدن از اصول اخلاقی می‌شود. چنانکه در گذشته مدارس در مساجد و بقاع متبرکه وجود

شده بود که به مدت یک یا چند شبانه‌روز در آن خانه‌ها سکونت داشتند (فقیه ایمانی، ۱۳۷۴: ۳۸۶). یکی دیگر از مراکز خیریه که در جوار امامزادگان ایجاد می‌شد دارالشفاه بود که نمونه آن دارالشفای حرم حضرت معصومه (س) در قم و دارالشفای گنبد بی‌بی سستی و آثار گورکانیان بر سر مزارات سادات هروی می‌باشد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۱۵).



شکل ۶- الگوی ارسن شهری با مرکزیت بقاع متبرکه (نگارنده)

۴-۷- الگوی طراحی فضاهای شهری

مرکزیت مساجد، حسینیه‌ها و بقاع متبرکه در محله و شهر می‌تواند مراکز شهری و محله‌ای با الگوی ایرانی اسلامی را به وجود آورد. در این الگو، مراکز محله‌ها و مراکز شهری با مرکزیت مسجد شکل گرفته و فضاهای شهری مطلوبی درون و بیرون پیرامون این مراکز (اعم صحن، حیاط، رواق، ایوان، جلوخان، گذر، میدان و میدانچه، خیابان، پیاده راه و بازار و بازارچه) خلق می‌شود. این فضاها محل تلاقی، تمرکز و اجتماع انسان‌ها، وقوع رویدادهای آیینی (مانند حضور، نماز جماعت، تعزیه، عزاداری و سوگواری محرم و ...) باشند. زائر با ورود به این فضاهای شهری و توقف بر سر مزار، یا کنار ضریح و حضور در صحن‌ها و شبستان‌ها، اجتماع برای انجام مراسم‌ها، دسته‌های عزاداری و تماشای آن‌ها، حتی خلوت و بیتوته شهروندان در این مکان‌ها معنویت فضا را حس می‌نماید.

صحن و جلوخان مساجد، امامزاده‌ها، حسینیه‌ها و تکایا که متناسب با مقیاس مجموعه (محلی، شهری و فراشهری) برای سرریز فعالیت‌های مذهبی، آیین‌های مذهبی کاربرد داشته است. صحن‌ها که به‌عنوان فضای چند عملکردی برای کارکردهای گوناگون فرهنگی و اجتماعی مانند برگزاری مراسم نماز جماعت و سوگواری‌ها و جشن‌ها استفاده می‌شده است. به‌عنوان بهترین الگو برای خلق فضاهای شهری (گره شهری با الگوی ایرانی اسلامی) است. در طراحی و توسعه این فضاها توجه به حقوق شهروندی همگان از جمله زائران و نیز ساکنان بافت پیرامون ضروری است. همچنین تأکید بر حریم، سلسله‌مراتب، سادگی، نگاره‌های ایرانی اسلامی، مناظر طبیعی و الگوی ارسن شهری نیز توصیه می‌شود.

گذرهای محلی و شهری که به‌طور سلسله‌مراتبی از محلی به شهری متصل می‌شوند، در پیرامون بقاع متبرکه نیز، با الگوی گذر محلی و شهری ترکیبی از فعالیت‌های مختلط را در خود جای می‌دادند. رفت‌وآمد روزانه، کسب‌وکارهای محلی، کاربری‌هایی که در پناه حرم و معنویت آن، به فعالیت و کسب روزی می‌پردازند. فضاها و بناهای پیرامون حرم اغلب با سادگی به مقام امامزاده احترام گذاشته و صرفاً فضاها و بناهای عمومی در ایام عزاداری

طراحی و اجرا و بهره‌برداری می‌تواند به تحقق فضاها و بناهایی در تراز اسلامی بیانجامد.

احترام به حقوق شهروندی همگان یکی از وظایف قانونی و اخلاقی انسان‌ها محسوب می‌شود. حقوق شهروندی ابعاد فردی و جمعی، اقتصادی، فرهنگی، سلامتی، زیست‌محیطی و فضای و کالبدی دارد. در پروژه‌های توسعه شهری می‌توان حقوق شهروندی را برای زائران، خادمین و کارکنان حرم، ساکنان محله‌های پیرامون حرم، عابران، مسافران، کسبه، معلولین، زنان، سالمندان، نوجوانان و جوانان، کودکان، خانواده‌ها و افراد آسیب‌دیده اجتماعی تبیین نمود که هر کدام نیازها و حقوق عام و خاصی دارند که توجه به آن‌ها در برنامه‌ها و اقدامات فردی و جمعی ضروری است. احترام به شخصیت همگان، رعایت حقوق ساکنان و کسبه پیرامون، پرهیز از مزاحمت و سلب آسایش و آرامش دیگران، مناسب‌سازی محیط برای افراد کم‌توان و گروه‌های ویژه، پیش‌بینی فضاها لازم برای استفاده گروه‌های خاص (مانند کودکان و خانواده‌ها)، پرداختن به نیازها و حقوق افراد نیازمند (مانند بی‌خانمان‌ها و فقرا) از جمله حقوق شهروندی قابل توجه در طرح‌های توسعه بقاع متبرکه می‌باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۹۵): سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: نشر کارنامه، چاپ دوم.
- اراکی، محسن. (۱۳۹۷). فقه عمران شهری، جلد اول، قم: انتشارات مجمع‌الفکر اسلامی، چاپ اول.
- قزوینی، زکریا بن آدم (۱۳۷۳): آثار البلاد و اخبار العباد، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- گلکار، کوروش (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی ایران، موسسه فرهنگی هنری ثمین نوین تهران، چاپ اول.
- کوان، رابرت. (۱۳۸۵) اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه: گلکار، ک؛ و حسینیون، س، انتشارات اسلیمی، چاپ اول.
- گلکار، کوروش (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی صفه، شماره ۳۲، صص ۳۸-۶۵.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، جلد نهم و چهاردهم تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- معین، محمد (۱۳۸۶): فرهنگ فارسی معین، جلد اول، ویراستار عزیزالله ولی زاده، انتشارات ادنا، چاپ چهارم.
- فقیه ایمانی، مهدی بن محمد (۱۳۷۴). تاریخ تشیع اصفهان از دهه سوم قرن اول تا پایان قرن دهم، ناشر

و اعیاد تزیین می‌شدند؛ اما از لحاظ طراحی معماری با سادگی و درون‌گرایی (محدود نمودن تزیینات به درون بنا) همراه بودند. گذرها با رویدادمداری و اجتماع‌پذیری با سلسله‌مراتب فضایی و عملکردی، به آمادگی زائر و عابر برای ورود به بقعه کمک می‌نماید. در بافت‌های پیرامون باقع متبرکه در دوران گذشته، اغلب بناها یک یا دوطبقه بوده و بدین ترتیب فضاها و بناها، متواضع و فروتن بوده‌اند. بدین ترتیب، سادگی و انسجام فضاهای بیرونی بقعه در کنار صحن و سرای مزین به تزیینات نقوش اسلامی و آیات قرآن و روایات، مجموعه فضاهایی معنوی خلق نموده‌اند. معماری بقاع متبرکه در کنار تزیینات اسلامی، از لحاظ فرم و تناسب و ارتفاع متواضع بوده و در پیوند با آسمان فرم خود را با گنبد و مناره‌ها انطباق می‌دهد. اصول اخلاقی و کیفیات محیطی که در عصر حاضر کمرنگ شده و با ساختوسازهای بی‌رویه و بلندتر و نیز تجملات آن حریم حرم نقض شده و از کیفیات محیطی و ارزش‌های مناظر و معنویت بافت کاسته می‌شود.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از منظر اندیشه اسلامی با وجود اینکه تعاریف طراحی شهری، متنوع و متکثر است اما تأکید بر کیفیات محیطی و فضاهای شهری در ابعاد فضایی، فرمی، اجتماعی و فرهنگی، کارکردی، منظر شهری، ادراکی، محیط‌زیست و مدیریتی در اغلب آن‌ها قابل ملاحظه است. در اندیشه اسلامی احکام و اخلاق اسلامی، مهم‌ترین وجه هر پیشرفتی از جمله طراحی شهری است که با عنوان طراحی شهری با رویکرد تعالی توحیدی تبیین گردید. این نوع نگرش به طراحی شهری دارای شاخص‌هایی از جنس قواعد فقهی، اصول اخلاقی و حقوق شهروندی برآمده از آموزه‌های اسلامی است که در تمامی فرایندهای طراحی شهری از برنامه‌ریزی تا اجرا باید ملاک عمل قرار گیرد.

التزام به احکام اسلامی و قواعد فقهی به‌عنوان یکی از ارکان طراحی شهری توحیدی است که در برنامه‌ها و اقدامات طراحی و توسعه، رعایت احکام و قواعد فقهی واجب شرعی است که می‌بایست با همکاری فقها و متخصصان تعیین شود. از جمله قواعد فقهی مرتبط در طرح‌های توسعه شهری، قواعد فقهی لازم‌الاجرا، تسلط، نفی سیل، ضمان و تراحم مصلحت می‌باشد. به‌طوری که هیچ حقی از عوامل ذی‌مدخل در یک برنامه و طرح اعم از حقوق خداوند، حقوق نفس، حقوق سایر انسان‌ها و حقوق طبیعت تضییع نشود. پایبندی به این قواعد و اصول هم در الگوی طراحی و هم در

- مؤلف، چاپ اول.
- دشتی، محمد (۱۳۸۸)، نهج البلاغه، تهران، انتشارات سنا، چاپ اول.
- محمدی، ابوالفضل، علایی زاده، محمود و محمدی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی پایه‌های نظری تعالی فرد در سازمان از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۴، صص ۱۵۳-۱۲۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). آشنایی با قرآن، ج ۳، تهران: انتشارات صدرا، چاپ سی و دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). آشنایی با قرآن، ج ۱۱، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). آشنایی با قرآن. جلد سوم. تهران: انتشارات صدرا. چاپ بیست و سوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). اسلام و نیازهای زمان. جلد اول، تهران: انتشارات صدرا. چاپ سی و یکم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). اسلام و نیازهای زمان، جلد ۱، تهران: نشر صدرا، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). اسلام و نیازهای زمان، جلد ۲، تهران: نشر صدرا، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). سیری در سیره نبوی، جلد ۲، تهران: نشر صدرا، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). امامت و رهبری. تهران: انتشارات صدرا. چاپ چهل و ششم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). یادداشت‌های استاد مطهری. جلد ۱۲. تهران: انتشارات صدرا. چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). انسان و ایمان، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، جلد ۱، تهران: انتشارات صدرا. چاپ اول.
- دیلیمی و جلیلی مراد، ۱۳۹۹
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، مفاتیح‌الحیاه، قم، نشر اسراء، چاپ اول، ویراست دوم.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ ق)، قواعد فقهی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.
- مولائی، اصغر (۱۳۹۸). بازشناسی جایگاه حرم امامزادگان در هویت شهری با تأکید بر سبک زندگی ایرانی-اسلامی، دو فصلنامه علمی پژوهشنامه سبک زندگی، سال پنجم، شماره ۸، صص ۵۰-۲۷.
- مولائی، اصغر (۱۳۹۹). بازشناسی آرسن شهری به‌عنوان الگویی برای مراکز شهر ایرانی-اسلامی با مرکزیت فضاهای مذهبی، نشریه علمی اثر، دوره ۴۱، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۰۸.
- Carmona, M. Heath, T. Oc, T. Tiesdell, S. (2003) Public space urban space, Architectural Press.
- Cowan, Robert (2005) the Dictionary of Urbanism, Streetwise Press.